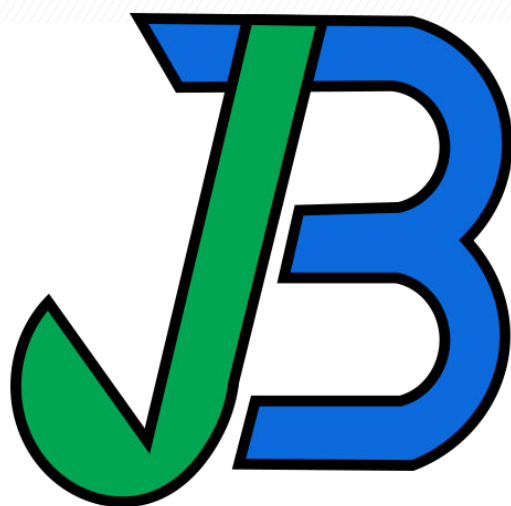


مهارت‌های معلّمی



چکیده و نکات مهارت‌های معلّمی ویژه کنکور فرهنگیان

منبع: کتاب مهارت‌های معلّمی تالیف محسن قرائتی

مهارت‌های معلّمی

۱ معلمی شغل نیست، عبادت است.

در گام اول، نوع نگاه ما به شغل معلمی است که می‌تواند در تعلیم و تربیت و انجام این مسئولیت بزرگ تأثیرگذار باشد.

معلمی یک کار مقدس است چون عبادت چند منظوره محسوب می‌شود. بغضی از مشاغل به قدری مقدس هستند که استفاده از کلمه شغل برای آنها کم و سبک است. معلمی، انتقال علم، تجربه، اتقاد غریق (نجات غریق)، کلید عزت (احترام) و بصیرت (آگاهی) و مصنویت (محفوظ) بودن هست. معلمی شغل خداوند و جبرئیل است.

کلمه معلم بار معنایی خاصی دارد و معنایی بلند دارد. مثل کربلا که نام منطقه‌ای در کشور عراق است ولی از نظر هویت تاریخی بار معنایی بالایی دارد و اسم کربلا کلماتی مثل امامت، شهادت، شهامت، عصمت، ایثار، مقاومت، اخلاص، عبادت، ظلم ستیزی و کلماتی شبیه به این در ذهن زنده می‌شود. کلمه معلم هم به همین شکل است و دیدن معلمی فقط به عنوان یک شغل ساده کوتاه بینی است. مثل این که کسی درباره مرجع تقلید بگوید او یک ادم خوبی است. کلمه خوب کفایت نمی‌کند. معلمی شغل خدا و جبرئیل است.

نکته: سیزده آیه در قرآن کریم با یسئلونک شروع می شود که مردم از پیامبر سوال پرسیدند و نشان می دهد پیامبر اکرم معلم مردم بوده است.

۲ معلمی یک انتخاب صحیح است.

معلمی	بقیه مشاغل
با انسان کار می کند	مهندسين با جامدات کار می کنند
با روح و قلب سروکار دارد	پزشک با جسم انسان سروکار دارد
توزیع علم	تاجر توزیع کالا انجام میدهد
اثری که روی شاگردان دارد تا قیامت است	ساخته های انسانی تا مدت کمی اثر دارد

مبارک ترین کاری که خداوند بر دوش انبیا و اوصیا گذاشته است تعلیم و تربیت است. در زمان طاغوت به دنبال بسیاری از مبلغین رفتند تا مبلغی را برای جذب نظام شاهنشاهی کنند اما خیلی از آنها از زیر بار نرفتند!

آیت الله گلپایگانی: اگر طلبه ای به جای تبلیغ و تحصیل دین، سراغ دربار رفت و بازوی آنان شد نگوید رفتم، بلکه بگوید لیاقت نداشتم و امام زمان مرا از حوزه بیرون انداخت.

اگر کسی بتواند با توزیع و مصرف علم به انسان ها خدمت کند به دل ها جان ها حیات بخشیده و در مسیر پیامبران گام برداشته است و در مسیر انبیای الهی گام بردارد، اما به سراغ تولید و توزیع و مصرف اجناس دیگر برود برنده نیست و خسارت کرده است. این خسارت به فراخور شغلی که جای شغل معلمی انتخاب می شود مراتبی دارد؛ چراکه خسارت دارای مراحل و تفاوت هایی است.

۳ اعمال زیان بخش انسان در قرآن

آیه	معنی	منبع
شما اشتروا	گاهی معامله بدی است	سوره بقره: آیه ۹۰
فما ربحت تجارتهم	گاهی سودی ندارد	سوره بقره: آیه ۱۶
اشتروا الضلالة بالهدی	گاهی خسارت است	سوره بقره: آیه ۱۷۵
لفی خسر	گاهی غرق در زبان است	سوره عصر: آیه ۲
خُسْراناً مبیناً	گاهی خسارت بزرگ و آشکار است	سوره نسا: آیه ۱۱۹
بالأخسرین أعمالاً	گاهی خسارت تمام ابعاد است	کهف: ۱۰۳

۴ معلمی در نگاه معصومین جایگاه رفیعی دارد.

در فرهنگ اسلامی درباره معلم از رهبر آسمانی با تعبیراتی چون معلم مربی یا پدر یاد شده است. امامان ما برای معلمان فرزندانشان ارزش و احترام خاصی قائل بودند و آنها را تشویق می کردند. امام حسین به معلم فرزندش صد دینار هدیه دادند و در پاسخ به اعتراض مردم فرمودند: (حین یقع هذا من عطائه یعنی تعلیمهد) این مبلغ در قبال تعلیمات او چه ارزشی دارد؟

کنایه از اینکه ارزش مادی به پای ارزش تعلی قرآن نمی رسد.

پیامبر می فرماید: بالاترین صدقات آن است که انسان چیزی را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.

و همچنین می فرمایند: راهنمایی کننده به خیر همانند انجام دهنده ی آن است.

۵ تربیت کار خداست.

بیشترین نامی که برای خداوند در قرآن آمده است **رب** است. قبلا با کلمه ربوبیت در دینی دوازدهم آشنا شده اید دقت کنید که ربوبیت زمانی کامل است که براساس علم حکمت، مصلحت و رحمت باشد که خداوند همه را دارد.

معلم، فقط علم خودش را منتقل نمی کند؛ بلکه همه کمالات را با رفتار و گفتار و اخلاق خود به دیگران منتقل کند؛ زمانی که دانش آموز دچار یاس و ناامیدی می شود به او امید می دهد (نویسنده جزوه: مثل الان خیلی هاتون که خسته و ناامید هستید، امید رو یاد بگیرید که سال های آینده بتونید امید رو به دانش آموزانتون منتقل کنید) و زمانی هم که دانش آموزش مغرور می شود به او هشدار می دهد.

مثل خداوند که در مسیر تربیت مردم با منطق، برهان، احساس، عاطفه، مثال، تشبیه، تاریخ و داستان، بیان الگوهای مثبت و منفی، هنر، خلاق، وعده و تهدید مردم را تربیت می کند. معلم ها و اساتید هم باید از همه این ابزارها استفاده کنند و هرچی از این ابزارها بیشتر استفاده کنند توفیقات آنها بیشتر است.

اتصال معلم ها مر بیان و اساتید به خدا، نقش مهمی در انجام مسئولیت آنها که هدایت و ارشاد مردم است دارد. پس از عالم دینی به **عالم ربانی** (یعنی عالمی که سروکارش با پروردگار است و برای خدا و در راه خدا و با اخلاق خداپسندانه تعلیم می دهد) تعبیر می شود. و خداوند متعال صفت ربوبیت را می گیرد و به دیگران انتقال می دهد.

امام سجاد (ع) در دعای مکارم الاخلاق از خداوند می خواهد «الهی انطلقنی بالهدی والهمنی التقوی» «خدایا زبانت را به هدایت باز کن و تقوا را به من الهام کن» انسانی که به این مقام برسد، خدایی می شود و همین که خدایی شد میتواند همه امکانات و ابزارها را در مسیر رضای خدا به کار گیرد و انسان های خدایی تربیت کند.

۶ معلم باید به تنهایی کار این پنج گروه را انجام دهد:

- ۱. وظیفه اول « کشف استعداد دانش آموز
- ۲. وظیفه دوم « خارج کردن دانش آموز از انحراف
- ۳. وظیفه سوم « تربیت شاگرد
- ۴. وظیفه چهارم « علاقه مند کردن دانش آموزان به درس
- ۵. وظیفه پنجم « وصل کردن تربیت شدگان و تشکیل جامعه

۷ معلم ها کار پنج گروه مهندس ها را انجام میدهند:

- ۱. گروه اول « مهندسانی که مسئول کشف معدن اند.
- ۲. گروه دوم « مهندسانی که مسئول استخراج موادند.
- ۳. گروه سوم « مهندسانی که مسئول ذوب موادند.
- ۴. گروه چهارم « مهندسانی که مسئول قطعه سازی و طراحی قطعات ماشین اند.
- ۵. گروه پنجم « مهندسانی که مسئول مونتاژ قطعات و نظارت بر آن هستند.

از موارد بالا نتیجه می گیریم کار معلم سخت تر است زیرا کار او با جامدات نیست بلکه با انسان هاست و از انجایی که انسان ها دارای روح هستند این کار باید با نهایت دقت و ظرافت انجام شود.

۸ معلم با گران ترین گوهر هستی سروکار دارد.

موجودات چهار دسته اند: جامدات / نباتات / حیوانات و انسان ها

زحمات معلم قابل قیاس نیست. در خیلی از مشاغل روی جنسی کار می کنند و به آن جنس ارزش می بخشند. اما معلمین روی نسل نو کار می کنند که انسان ها قابلیت رشد بی نهایت دارد. رشد همه چیز جز انسان محدود است.

جوان شهیدی در وصیت نامه اش نوشته بود: جسمم را به خاک، روحم را به خدا و راهم را به شما می سپارم؛ تفکر این نوجوان حاصل اثر تربیت معلم و یا مربی او و پرورش این تفکر در مسجد بوده.

اگر انسان درست تربیت شود از فرشته برتر می شود و اگر اشتباه تربیت شود از حیوان پست تر خواهد شد. معلم نمی گذارد گوهر انسان نابود و مقفول بشود.

أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَصْلُ: «آنها مانند حیوانات هستند، بلکه پست تر.»

در آیه ای دیگر دلیل انحراف آنها را این گونه بیان می کند:

أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ

غفلت انواعی دارد؛

عده ای از خدا غافلند: نَسُوا اللَّهَ

عده ای از قیامت غافلند: نَسُوا يَوْمَ

عده ای از وظیفه خود غافلند: كَذَلِكَ أَنْتَ آيَاتِنَا فَنَسِيتَهَا : «همان گونه که آیات ما به تو رسید و تو آنها را فراموش کردی.»

عده ای از محرومان غافل اند: وَلَمْ تَكُنْ تُطْعِمُ الْمَسْكِينِ افراد مسکین را اطعام می کردیم

عده ای از توانمندی های خود غافل اند و عمر خودشان رو صرف کارهای لغو کرده اند.

کار معلم دور کردن غبار قفلت و بیدار کردن انسات هاست.

۹ کار روی فکر افراد ماندگار است.

یکی از نشانه‌های برتری اعمال، ماندگاری آن است. به طوری که حضرت ابراهیم از خدا که خواست که در تاریخ ماندگار باشد؛ (اجمل لی لسان صدق فی الآخِرین هو) در میان آیندگان نام نیکی برای من قرار بده. خداوند نیز دعای او را این گونه پاسخ داد: «دو جملها کلمة باقیة فی عِیه لَعَلَّهُمْ یَرْجِعُونَ» کلمه توحید را در میان نسلش کلمه ماندگار قرار داده باشد که آنان به توحید بازگردند.

نکته: ایمان به تنهایی کافی نیست بلکه هدایت الهی باید تداوم داشته باشد. فریاد توحید در جامعه می ماند حتی اگر مردم آن جامعه گوش نکنند «کلمة باقیة فی عنه»

حضرت ابراهیم برای نسل خود دعا می کرد و از خداوند می خواسته: «خدایا رهبری امت و اقامه نماز را در ذریه من قرار بده» معلم باید بداند که ماندگارترین کار، تعلیم و تربیت است؛ آن هم بر روی نسل جوان که تأثیرپذیری و ماندگاری بیشتری دارد.

۱۰ کلاس داری را ساده ننگریم.

بعضی از افراد کلاس داری را یک کار می دانند، به ویژه افرادی که سنین پایین تری دارند. در حالی که هم کلاس داری مهم است و هم مخاطبانی که از نسل نو هستند اهمیت دارند.

نویسنده کتاب می گوید: آیت الله العظمی گلپایگانی وقتی راجع به کلاس داری من مطالبی شنیدند خواستند که کلاس مرا ببینند. تابلو و تخته سیاهی را به منزل ایشان

بردم و برای ایشان نمونه هایی از درسی که برای نسل نو می‌گفتم ارائه دادم. سپس به ایشان گفتم من امکان فقیه شدن دارم ولی فعلاً معلم شده ام. ایشان فرمود: این راهی که شما پیش گرفته ای الان بیشتر مورد نیاز است و امام زمان نه راضی است؛ ان شاء الله مرحوم آیت الله مشکینی به یکی از اساتید بزرگ قم نیز مشابه این کلام را به من فرمود. شبی به کلاس آمد و تا پایان کلاس در کنار بچها نشست سپس فرمود: «من حاضرم پاداش تدریس برای صدها طلبه فاضل را به تو بدهم تا در مقابل پاداش این کلاس بیست نفری و تدریست را به من بدهی».

در کلاس‌ها، آینده انسان‌ها رقم می‌خورد کلاس می‌تواند افراد را از پرتگاه های جهل و نادانی دور کند و راه او را تغییر دهد. مدرسه و دانشگاه کارخانه انسان سازی است.

۱۱ معلم ربانی، هادی و ناجی بشر است.

آموزش و تحصیلات هم می‌تواند باعث گیرافتادن تحصیل کردگان و ایجاد وابستگی آنها به ابر قدرت‌ها و هم وسیله نجات بشر از شرطاغوت‌ها می‌شود.

بر اساس آیات قرآن یکی از اهداف بزرگ حضرت موسی نجات بنی اسرائیل از شر فرعون بود؛ به طوری که با صراحت به فرعون گفت:

«أَنْ أَرْسِلَ مَعْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ: بنی اسرائیل را آزاد کن و همراه ما بفرست».

قرآن کریم یکی از وظایف انبیاء را کمک به رهاسازی افکار جامعه از مشکلاتی که به آن گرفتار شده بودند ذکر می‌کند و از آنان بار گران تکالیف (سخت) و بندهایی را که بر آنان بوده است برمی‌دارد و آزادشان می‌کند.

علم حقیقی نگاه انسان را توحیدی می‌کند. در حدیثی گفته شده «ثمرة العلم معرفة الله ثمره علم، شناخت خداوند است.» و همچنین «ثمرة العلم العبادة نمره علم، بندگی خداست.»

در قرآن کریم آمده است که گروهی جذب اموال قارون شده گفتند: «ای کاش ما هم مثل قارون ثروتمند بودیم ولی کسانی که اهل علم بودند تذکر می‌دادند:

«ولیکم ثواب الله خیر: وای بر شما پاداش الهی بهتر است» در نتیجه کسی که علم واقعی داشته باشد در تشخیص دنیا و آخرت اشتباه نمی‌کند.

نه دانشمندی که دنیا را بر آخرت ترجیح بدهد عالم ربانی است و نه علم او علم واقعی؛ فقط گرفتن داشتن مدرک نشانه بلوغ و رسیدن به کمال نیست؛ چون آموخته های عالم ربانی باید زندگی بخش و نجات بخش باشد. مشکل بزرگ امروز جامعه بشری، جدا شدن قرا از باسم ربک / جدا شدن یعلمهم از یزگیهم / جدا شدن مادیات از معنویات / جدا شدن دنیا از آخرت و جدا شدن علم از دین است..

هنر معلمی فقط به آموزش خواندن و نوشتن یا آموزش مسائل پیچیده و فرمول‌های سخت نیست؛ بلکه هنر معلم در آموزش مسائل علمی با نگاه و روش توحیدی و تربیتی است. نتیجه این مدل آموزش، شکوفایی علم، حلم، حیات قلب، استقامت، معرفت و انسانیت در دانش‌آموختگان خواهد بود.

نکته: معلم ربانی هادی و ناجی است و ارزش کار او به حیات دل‌ها و نجات انسان‌هاست.

۱۲ کار خود را مقدس بدانیم.

ما باید علم را مقدس بدانیم؛ چون خداوند هم به قلم قسم خورده و هم به آنچه نوشته می‌شود «ن والقلم وما یسطرون»

اسلام برای آموزش نه محدودیت زمانی «اطلبوا العلم من المهد إلى الله: از گهواره تا گور دانش بجو» و نه محدودیت مکانی «لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنْوُطًا بِالْثَرَيَّا لَتَنَاولَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ: اگر علم در ثریا باشد مردانی از فارس به آن می‌رسند»، نه محدودیت جغرافیایی «اطلبوا العلم ولو بالصین دانش را بجویید، اگرچه در چین» و نه محدودیت مقداری «لَوْلَا نَفَرٌ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لَيَتَقَهُوا فِي الدِّينِ: چرا از هر گروهی از مردم دستهای کوچ نمی‌کنند تا در دین فقیه شوند»، نه محدودیت جانی «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ: اگر مردم ارزش علم را میدانستند به سراغ آن می‌رفتند، گرچه به قیمت جان خود و فرورفتن در امواج دریا باشد»

و نه محدودیت انسانی «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُؤَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ: پس خداوند زاغی را فرستاد که زمین را میکاوید تا به او نشان دهد که چگونه کشته برادرش را بپوشاند و دفن کن»،

نه محدودیت مکتبی «پیامبر اسلام نیند بهای آزادی کسانی را که در جنگ اسیر میشدند. آموزش خواندن و نوشتن به ده نفر از مسلمان قرار داده». اسلام به قدری برای آموزش ارزش قائل است که می‌فرماید «اگر سگ آموزش دیده برای شما شکاری بیاورد آن شکار برای شما حلال است».

در قرآن گفته شده یکی از اولیای خدا که در تفایر عزیز معرفی شده است. از خرابه ای می‌گذشت با دیدن آثار، گذشتگان به خدا گفت این مردگان را چگونه می‌خواهی زنده کنی خداوند او را که سوار بر اسب بود بعد ۱۰۰ سال زنده کرد و از او پرسید «در اینجا چند وقت هست که آرمیده ای؟» گفت: «روزی یا نصف روزی!» خداوند به او فرمود ۱۰۰ سال پیش در این جا مردی و من تو را الان زنده کردم. به الاغ خود نگاه کن که چگونه او را دوباره زنده می‌کنم و به غذای خود نگاه کن که چگونه پس از صد سال هنوز فاسد نشده است خداوند با بیان داستان عزیز ثابت می‌کند که برای فراگیری یک نکته مرگ صد ساله ارزشمند است.

۱۳ تعلیم و تربیت باعث حیات معنوی مخاطب می‌شود.

خداوند تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده اید هرگاه خدا و رسول، شما را به چیزی که حیات بخش شماست دعوت می‌کنند بپذیرید».

حیات انواع مختلفی دارد: گیاهی، حیوانی فکری و ابدی.

منظور از حیاتی که با دعوت انبیا ایجاد می‌شود حیات حیوانی نیست. بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی، معنوی، اخلاقی، اجتماعی و در یک کلام حیات انسان در تمام زمینه هاست.

چنانکه در جای دیگری از قرآن میخوانیم: «مَنْ قَبْلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً: هر کس کار شایسته ای کند چه مرد یا زن در حالی که مؤمن باشد، به زندگی پاک و پسندیده زنده اش می‌داریم»

استاد و معلم باید به پیروی از خدا و پیامبر به مخاطب زندگی می‌بخشد و جهل او را به علم، یاس او را به امید، غفلت او را به هوشیاری، ترس او را به شجاعت، اعراض او را به اقبال، تفرقه او را به وحدت، کینه او را به محبت، دنیاگرایی او را به ابدگرایی، اطاعت او از ناهلان را به اطاعت از اولیای معصوم و عادل، اسراف او را به صرفه جویی، کسالت او را به نشاط، اضطراب او را به آرامش و سنگ دلی او را به نرم دلی تبدیل کند.

اگر مدرس، اتصال خود را با خدا و اولیای خدا مستحکم کند، واحد نفس مسیحایی می‌شود در این صورت، کار معلم، کار انبیا می‌شود؛ وگرنه انتقال علم بدون تزکیه مثل جدا شدن سوزن از نخ است که به جای دوزندگی، سوراخ می‌کند و صدمه می‌زند.

۱۴ ارزش علم بیش از هر چیزی است.

خداوند آنجا که سخن از آفرینش انسان است خود را «کریم» معرفی می‌کند «یا أَبَها الإنسان ما غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ: های انسان! چه چیز تو را در برابر پروردگار بزرگوارت مغرور کرد و فریب داد؟ همانکه تو را آفرید و اندام تو را استوار ساخت و متعادل کرده» ولی آنجا که سخن از علم و فرهنگ است صفت «اکرم» را به کار می‌برد و می‌فرماید:

«أَفْرَأَوْ رَبَّكَ الْأَكْرَمَ: بخوان که پروردگار تو از همه گرامی تر است.» در سوره الرحمن نیز ابتدا به تعلیم قرآن اشاره می‌کند سپس آفرینش انسان. «الرحمن عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ: خداوند قرآن را آموخت و انسان را آفرید» آری باید قبل از ماشین راه ساخته شود؛ اول راه هدایت، سپس آفرینش انسان. این تعبیر بیانگر ارزش علم و معلم و تعلیم است و نشان می‌دهد که علم و فرهنگ بالاترین ارزش را دارد

مهارت‌های معلّمی

از آنجا که معلّمی شغل انبیاست، معلّم موفق نیازمند یک سری خصوصیات و ویژگی‌هایی هست. همانند:

۱ سوز و حرص داشته باشد.

معلّم باید دارای سوز و حرص باشد، ینی اینکه دانش آموز را همانند فرزند خود بداند و برای تحصیل او حریص باشد و برای سستی و بی‌توجهی او غصه بخورد و از هراهی برای تعلیم و تربیت او بهره ببرد. داشتن سوز یک کمال است.

یکی از ناسزاهایی که قدیمی‌ها به بعضی‌ها می‌گفتند ای بی‌درد، ینی داشتن سوز و درد یک کمال است و بی‌دردی، درد بزرگ.

آیاتی که نشانه سوز و گداز پیامبر در راه هدایت مردم است:

۱. لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم، حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم
«همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده که آنچه شما را برنجاند بر او سخت است»
(توبه ۱۲۸)

۲. ما انزلنا علیک القرآن لتشقی «ماقرآن را به قرآن رانفرستادیم که خودت را به مشقت ببندازی»

۳. لعلک باخع نفسک الا یكونو مومنین «شاید خویشتن را هلاک کنی که چرا اینها ایمان نمی‌آورند»

۲ سعه صدر داشته باشد.

داشتن روحی بزرگ در برابر بی مهری ها سرسختی ها و جسارت ها به طور مثال معلم باید بتواند بی احترامی و بی ادبی های یک دانش آموز گستاخ را تحمل کند و در این چنین مواقعی رفتار درستی را از خود نشان دهد. همانطور که قرآن کریم می فرماید که برخورد آنها با افراد جاهل باید مسالمت آمیز باشد. امام علی (ع) «آله الریاسه سعه صدر: ابزار ریاست سعه صدر است».

اولین دعای موسی هنگام مامور شدن به هدایت مردم این بود که:

«ربی اشرح لی صدري ویسر لی امری»

۳ بی تکلف باشد.

تکلف یعنی انسان کاری را با تصنع و مشقت انجام دهد. در واقع تکلف در برابر سادگی و بی آلاشی قرار می گیرد.

یکی از صفات برجسته پیامبران و امامان ساده زیستی آن ها بود. پیامبر به مسلمانان میفرمود: «وما انا من المتکلفین».

مقید بودن انسان به یک گفتار، رفتار، و شخصیتی خاص، از خود و اطرافیان انتظار همیشه بهترین بودن نیز هست.

نشانه های بی تکلفی پیامبر، نشست و برخاست با محرومان، سلام کردن به همه، کمک کردن به همسر، توقع نداشتن از همسر و...

تکلف گر نباشد خوش توان زیست تعلق گر نباشد خوش توان مرد

۴ مخلص باشد.

معنای اخلاص آن است که از اول طلب پاداش و اجر نکنیم، گرچه گرفتن مزد یا پاداش مانع اخلاص نیست.

اهل بیت هنگامی که مسکین یا یتیم در خانه آنها برای افطار و غذا آمد و افطارشان را به آنها بخشیدند، به آنها گفتند که ما از شما هیچ پاداش و شکری نمی خواهیم، «لانريد منکم لا جزاء ولا شکورا»

در ضمن ما باید در تمام کارهایمان نیت خالص داشته باشیم، همانطور که پیامبران هرگز در سخنانشان سخنی از مزد نزدند. معلمی که قرار است راه پیامبران را ادامه دهد نیز نباید در سخنانش حرفی از مزد بزند.

امام صادق (ع): «کسی که طلب علم کند تا با آن به علما مباحثات کند یا با سفیهان مجادله نماید یا اینکه مردم را متوجه خودش کند، پس منزلگاهش را آتش قرار داده است».

نکته:

درخصوص اخلاص باید به سه نکته توجه کرد «

الف) اگر انسان برای کار خودش به چشم این و آن به دنبال پاداش و مزد باشد، گرفتار می‌شود. زیرا ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند، و از دیگران انتقاد می‌کند.

ب) در روایات می‌خوانیم هرکس چهل روه کارهایش را با اخلاص انجام دهد چشمه حکمت از قلبش به زبانش جاری می‌شود. یعنی ضمن پاداش فراوانی که اخلاص دارد به رشد علمی نیز کمک می‌کند.

ج) اگر بدانیم که تنها خدا است که ما را بی‌نیاز می‌کند و کمی و زیادی ما نیز در دست خداست به آرامش و اخلاص می‌رسیم.

۵ خود را فارغ التحصیل نداند.

یک معلم باید فعال باشد و همواره در پی کسب علم و دانش باشد، معلم برای دانش‌آموزان خود یک الگو است، و در صورتی که معلم در پی دانش و کتاب باشد، دانش‌آموز نیز به تقلید از معلم خود به سمت علم و آگاهی حرکت می‌کند. پیامبر نیز در حدیثی می‌فرماید: «گر فرارسد و در آن روز دانشی که مرا به خدا نزدیک کند بر من افزوده نشود، طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد».

خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید «و قل ربی زدنی علما» و به موسی فرمان می‌دهد که خضر را پیدا کن و همراه او به سفر برو تا از دانش او بهره‌مند شوی، از این داستان نیز متوجه می‌شویم که علم تنها علم ظاهری نیست زیرا حضرت حضر علوم غیر ظاهری را به موسی تعلیم داد. قرآن کریم گروهی که به علمی که دارند قانع هستند را نیز توبیخ کرده و می‌فرماید: «فرحوبما عندهم من علم»

۶. توفیقاتش را از خدا بداند.

انسان نباید برای موفقیت‌های کوچک خود، به خود ببالد و گمان کند که این موفقیت‌ها تنها به دلیل تلاش خودش بوده زیرا این چیز باعث ایجاد غرور در فرد می‌شود، قرآن کریم از قول شعیب می‌فرماید که: «و ما توفیقی الا بالله» وقتی به قارون گفتند که از نعمت‌هایی که خدا به تو داده به فقر کمک کند، اعراض کرد و مغرورانه گفت: هر چه دارم برای دانشی است که مخصوص من است.

بعضی از علوم را می‌توان با تحصیل به دست آورد اما بعضی دیگر از جانب خدا هستند و از جانب او بر قلب‌های پاک الهام می‌شوند، خداوند در قرآن کریم خطاب به حضرت یوسف می‌فرماید: «کذا لک یجتبیک ربک و یعلمک من تاویل الاحادیث». البته این عنایات فقط مخصوص علم نیست گاهی بصیرت، حکمت و نور باطنی ویژه نیز به برخی افراد داده می‌شود، همانند کاظم ساروقی که یک باره حافظ کل قرآن شد. به تصریح قرآن قلب پاک و با تقوا اینه علوم می‌شود: «و تقوا الله و یعلمکم الله»

۷. با شهامت باشد.

شهامت یعنی شجاعت و شجاعت به معنی عمل کردن بر خلاف ترس‌ها است. داشتن شهامت فقط در جبهه و جنگ لازم نیست؛ بلکه در زندگی روزمره نیز به آن نیاز داریم. اقرار به ضعف و اشتباه، عذرخواهی و نقل شکست‌هایی که برای دیگران عبرت است، نیاز به شهامت دارد. معلم باید در صورتی که لازم است به نادانی خود اقرار کند و گاهی برای تبیین یک موضوع و انتقال مفهوم به دانش‌آموزان از تجربیات و شکست‌های خود مثال بزند. معلم باید همیشه و در هر شرایطی حق را به باطل ترجیح بدهد، و حرف حق را حتی اگر برایش ضرر دارد نیز بزند.

ابن سکیت یکی از یاران امام جواد، امام رضا و امام هادی بود و همچنین فرزندان متوکل (خلیفه عباسی) را درس می‌داد. روزی خلیفه از او پرسید که به راستی فرزندان من بهترند یا فرزندان علی، ابن اسکیت با شهامت جواب داد که (قنبر غلام علی از تو و فرزندان بهتر است) متوکل که فردی مستبد بود دستور قتل استاد را صادر کرد.

۸ اعتماد به نفس داشته باشد.

بعضی از افراد هیچ باوری به توانایی‌های خودشان ندارند و گاهی این موضوع سبب می‌شود که سنت‌های صحیح و منطقی خودشان را تحقیر و سنت‌های اشتباه دیگران را درست می‌پذیرند.

این‌ها همان‌هایی هستند که زمانی که چهار کلمه انگلیسی یاد می‌گیرند مرتب از آن استفاده می‌کنند

و خیال می‌کنند که جنس تولید خارجی قطعا از داخلی بهتر است و دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.

منشا اعتماد به نفس باید ایمان به خدا و داشتن بصیرت و هدف الهی باشد
«و قل هذه سبيلي ادعوا الى الله و من تبعني» من و هرکس پیروی ام کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می‌کنیم. بهترین مصداق ایمان به خدا و اعتماد به راه او، وجود مبارک امام خمینی است.

داستان‌هایی که نشان از وجود اعتماد به نفس است

مأمون روزی می‌گذشت که در راه به جمعی از کودکان برخورد که امام جواد یکی از آنها بود، تمام کودکان به جز امام جواد که یازده سال سن داشت فرار کردند، مأمون از امام جواد پرسید تو چرا فرار نکردی؟ او جواب داد: راه تنگ نبود تا برایت راه بگشایم و گناهی نکرده بودم تا از جریمه اش بترسم و گمانم به تو نیک بود که بیگناهان را ضرر نمی‌رساند.

نمونه دیگر زینب کبری بود که بعد از شهادت امام حسین (ع) که توسط بنی امیه به اسارت گرفته شده بود در آن حال سخنرانی کرد و گفت من قدر تو را کوچک می‌پندارم.

۹ مردمی باشد.

پیامبر اکرم به عنوان یک معلم همیشه در کنار مردم و با مردم بود، که کفار به او می‌گفتند غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده است تا همراه او بیم دهنده باشد و ادعای او را تایید کند. در بعضی آیات واژه، رسول، منعم و فیهم آمده است، ینی پیامبری که از آنها و با آنهاست. در احادیثی می‌خوانیم که خدا امتیاز طلبی و برتری جویی افراد را نهی کرده است همانطور که دستور می‌دهد که در مراسم حج همه مردم باهم در عرفات وقوف کنند و از آنجا به سوی معشر حرکت کنند.

با این آیات حق قریش را که برای خود امتیاز قائل بود و در عرفات وقوف نمی‌کرد نهی کرد. امام رضا در نامه ای به امام جواد می‌گوید که شنیدم شما را از دری ویژه به جلسات می‌برند، شما باید از همان دری که مردم از آن وارد می‌شوند دخول کنید تا فقرا بتوانند با شما ارتباط گیرند. معلم و استادی موفق است که شاگردان به راحتی بتوانند با او ارتباط بگیرند، در آیه ی اول سوره مجادله می‌خوانیم «قد سمع الله قول لتی تجادلک بزوجها» این آیه نشان دهنده مردمی بودن رسول اکرم بود که زنی می‌توانست با شخص پیامبر ارتباط بگیرد و مشکلات خود با شوهرش را با او درمیان بگذارد. در فقه نیز آمده است که لباس شهرت حرام است زیرا در آن نوعی امتیاز طلبی است. حضرت امیر المومنین نیز در نامه ای، یکی از نمایندگان خود را که در مجلسی حضور داشت که همه اشراف بودند توبیخ می‌کند.

۱۰ صراحت لهجه داشته باشد.

صدای رسا و کلمات شفاف از ویژگی‌های بارز و مهم یک معلم است. اگر یک فرد علم کامل داشته باشد اما نتواند آن را به دیگران انتقال دهد، نمی‌تواند معلم خوبی باشد. زیرا کار یک معلم آموختن علم به دیگران است. کلام قرآن نیز روشن است و همه حتی افراد معمولی نیز می‌توانند آن را درک کنند، همچنین پیامبر به گونه ای سخن می‌گفت که برای عموم قابل فهم باشد. باید در برابر افرادی که به باطل دعوت می‌کند با صراحت و شجاعت ایستادگی کرد و در مورد حق سخن گفت. البته باید این کار را با رعایت ظرفیت مخاطب انجام داد. آیاتی که نشان می‌دهد پیامبران از صراحت لهجه در برخورد با کفار و دعوت به اسلام داشتند. «وانذر عشیرتک الاقربین»، که اشاره به پیامبر دارد که باید با صراحت خانواده خود را انداز می‌کرد.

۱۱ منصف باشد.

منصف به فردی اطلاق می‌شود که بدون تبعیض و کاملاً با عدالت و حق با دیگران رفتار کند. انصاف از اموری است که عقل و وجدان و دین به آن سفارش کرده اند. وقتی که دانش آموز بداند که معلمش بدون تعصب و صرفاً از جهت محبت و انصاف و دلسوزی با او رفتار می‌کند سخنانش را می‌پذیرد و با آن همراهی می‌کند.

حتی زمانی که می‌خواهیم از دیگران انتقاد کنیم باید همراه با انصاف و عدل باشد، و نکات مثبت شخصیت فرد را نیز بگوییم.

قرآن کریم با اینکه از برخی یهودیان به علت ربا خواری، تحریف تورات و رفاه طلبی انتقاد می‌کرد ولی به علت امانت داری از آنها ستایش می‌کند و می‌فرماید: «و من اهل الکتاب من اذا تامنه بقنطار یوده الیک» بعضی از اهل کتاب تا آن حد درستکارند که اگر مال بسیاری به آنها بدهی آنها را به تو پس می‌دهند.

قرآن کریم اگر بخواهد از کسی انتقاد کند با کلمه «منهم» آنها را از سایرین جدا می‌کند و با کلمه «الا حساب» خوبان را جدا می‌کند. و اگر می‌خواهد از گروهی ستایش کند همه آنها را مشمول ستایش نمی‌داند.

مثلاً در مورد زنان پیامبر می‌فرماید: « فان الله اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما» و اینگونه تفهیم می‌کند که تمام زنان پیامبر نیکوکار نبودند. و از جمله رعایت انصاف آن است که مطالبی که فرد از دیگران یاد گرفته است به خودش نسبت ندهد. خودش را در بالاترین درجات علمی نداند و از افراط و تفریط بپرهیزد.

۱۲ صمیمی و با محبت باشد.

از رموز موفقیت معلم، داشتن صمیمیت با دانش آموز است، برخورد خشک و رسمی و احیاناً با خشونت دانش آموز را گریزان می‌کند. خداوند درباره ی برخورد صمیمانه پیامبر با مردم می‌فرمود: «لو كنت فظا غلیظ القلب لانفضو من حولک» اگر خشن و سنگ دل بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند. حضرت علی (ع) نیز در این باره می‌فرماید: «با من همانند جباره رفتار نکنید». امام صادق (ع): «بهترین دوستانم کسی است که عیب‌های من را به من بگوید». «ولینو لمن تعلمون»، با کسانی که به آنها آموزش می‌دهید با نرمی برخورد کنید.

یکی از راه های ایجاد صمیمیت محبت است، در واقع قوی ترین ابزار ایجاد صمیمیت محبت کردن است، خداوند دونام خویش یعنی (رئوف ورحیم) را برای هیچکدام از پیامبران به جز پیامبر اسلام اطلاق نکرده است. همچنین خداوند در قرآن برای اینکه مردم را از ظلمات و بدی ها به سوی نور دعوت کند، در ابتدای دعوتش بر آنها درود و صلوات می فرستد «و یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من نور الی ظلمات»
درس معلم گر بود زمزمه محبتی / جمعه به مکتب آورد طفل گریز پای را

۱۳ اهل هدایت و علم باشد.

معلمی کردن به رشد است و یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد. و اول خودش هدایت یابد تا بتواند دیگران را هدایت کند. پیامبر اکرم می فرماید: هرکس علمش افزایش یابد ولی هدایت بیشتری کسب نکند، چیزی جز دوری از خدا کسب نکرده است. امیر المومنین، علی ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسان خلاق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است.

امام باقر فرمودند: «کسی که از عدالت سخن بگوید ولی عادل نباشد، سخت ترین حسرت را در قیامت خواهد داشت». در اینباره امام صادق نیز فرمودند: کسی که کارهایش تأکیدکننده گفتارش نباشد، عالم نیست.

۱۴ آراسته باشد.

نظافت و پاکی بسیار مهم است و اسلام برای نطافت و پاکی سفارش های گوناگونی کرده است. البته تاکید اسلام فقط بر روی زیبایی یک کودک کم سن و سال که تجربه کافی ندارد و از ظاهر قضاوت می کند، داشتن یک معلم جوان، شاداب، و آراسته، بسیار جذاب تر و بر روی افکار او بسیار تاثیر گذار تر است.

در قرآن آمده است، که ای بنی ادم زینت خود را نزد هر مسجد همراه خود ببرید. شرط قبولی عبادات در اسلام آمده است و پوشیدن پاک ترین لباس ها هنگام انجام عبادات پاداش دارد.

البته معنای پاکی و نظافت برای استاد پوشیدن لباس های گران قیمت نیست، اتفاقاً این موضوع باعث پرت شدن حواس دانش آموز از درس و در نهایت به انجام نرسیدن هدف های آموزشی می شود. استاد یا معلم باید ظاهری آراسته و ساده داشته باشد.

۱۵ اخلاق خوب داشته باشد.

زینت آدمیزاد اخلاق اوست. چیزی که باعث تداوم رابطه ها می شود، اخلاق خوب است. معلم بد اخلاق دانش آموز را از خود می راند. در قرآن آمده است که ای پیامبر اگر تو بد اخلاق و سنگدل بودی مومنان و مردم از دور تو پراکنده می شدند. پیامبر گرامی در داشتن اخلاق برای عموم اسوه بوده.

طوری که خدا در قرآن می فرماید « **وانک لعلی خلق عظیم** ». عایشه نیز درباره خلق پیامبر می فرماید « **وکان خلقه القرآن** » اخلاق پیامبر تجسم قرآن بود.

گفتار معلم دانش آموز را نمی سازد بلکه رفتار اوست که بر جان و روح وی اثر می گذارد، وقتی عده ای از دانش آموزان از علامه طباطبایی درخواست برگزاری کلاس اخلاق کردند، او گفت اخلاق علم نیست عمل است. یک معلم برای دانش آموز خود یک الگوست بنابراین باید مواظب حرکات و رفتارش باشد.

۱۶ متواضع باشد.

کبر و غرور مانع ارتباط فرد با دیگران می شود زیرا همیشه فرد خود را بهتر از دیگران می پندارد. همچنین در رابطه معلم- دانش آموز، زمانی که استاد و دبیر خود را بالاتر از دانش آموز بداند، این موضوع مانع صمیمیت بین آنها می شود. معلم مغرور هرگز به شاگرد خود اجازه سخن گفتن، سوال پرسیدن و از خود خودی نشان دادن نمی دهد. بنابراین این موضوع مانع به ثمر رسیدن اهداف آموزشی که تعلیم و تربیت روح افراد است می شود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید «**لَا تَمْشِي فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا**» و همچنین می‌فرماید «و خضض جناحك لمن تبعك من المومنين». همچنین در جلساتی که پیامبر برگزار می‌کرد، جایگاه ویژه‌ای برای خود تعیین نمی‌کرد، لباس خاصی که او را از دیگران متمایز نکند به تن نمی‌کرد، به طوری که زمانی که یک فرد خارج از جلسه به جلسه می‌پیوست، از جمع می‌پرسید کدام یک از شما پیامبر خدا است. که این نشان دهنده تواضع پیامبر در برابر اصحاب بود که هیچ گونه امتیازی برای خود قائل نبود.

۱۷ سابقه نیک داشته باشد.

در موفقیت هر کاری از جمله تبلیغ و تدریس، داشتن سابقه نیک و خوش نام بودن تاثیر زیادی برای پذیرش سخن گوینده دارد. حضرت ابراهیم از خداوند نام نیک خواست «**وَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ**». همچنین پیامبر به مردم می‌فرمود، که من قبل از بعثت عمری در میان شما بوده‌ام و شما کار خلافی سراغ ندارید. همچنین خداوند در قرآن خطاب به پیامبر می‌فرماید «**وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ**» من نام تو را به نیکی بلند کرده‌ام. در ضمن در صورتی که یک معلم خوش نام باشد کمتر مورد انکار قرار می‌گیرد. شاید دلیل اینکه خداوند دستور می‌دهد که افرادی برای تفقه هجرت کنند و پس از کسب علم در میان مردمشان حاضر شوند و آنها را انداز کنند. همین باشد که آنها در میان مردمشان شناخته شده باشند.

۱۸ به پست و مقام دل نبسته باشد.

ما باید در همه مدیریت‌ها آماده جابه‌جا شدن را داشته باشیم. در تعلیم و تربیت نباید نگاه مادی و زودگذر داشت. افرادی که کنار می‌روند باید به افرادی که روی کار می‌آیند کمک کنند. این امر از تفویض حتی در اسلام و در بین پیامبران وجود دارد. در آیه ۸۱ سوره آل عمران به آن اشاره شده است. معلم خدامحور، نه به کلاس، نه به منطقه و نه به دانش‌آموزان دل بسته نمی‌شود، و کار خود را از سر مسئولیت و وظیفه و دلسوزی در هر شرایطی و هر جایی انجام می‌دهد و همواره آماده جابه‌جایی و تفویض است.

۱۹ همواره آماده پاسخگویی باشد.

یک دانش آموز در هر لحظه ممکن است پرسشی داشته باشد. عدم توانایی معلم در پاسخگویی به سوال های دانش آموزان باعث کم شدن اعتبار و مقام او و از بین رفتن ابهت معلم در پیش دانش آموز بشود. خدای تعالی به پیامبرش می فرماید، «سَيَقُولُ الَّذِينَ اشْرَكُوا..» مشرکان در آینده از تو سوال خواهند پرسید و تو باید آماده جواب باشی. پس معلم خوب و موفق کسی است که سوالات را از قبل پیش بینی کند و جوابی برای آنها آماده داشته باشد.

۲۰ بصیرت و شناخت عمیق داشته باشد.

استادی موفق است که بصیرت جامع داشته باشد. یعنی نیازها را بشناسد و در پی رفع آنها بکوشد و هم ظرفیت و گنجایش مخاطب را، و هم بر آنچه تدریس می کند تسلط کافی داشته باشد. بعضی از اوقات طرح های بین المللی و کارشناسان جلوی وجدان آدمی را می گیرد.

همانطور که سال ها پیش هفت هزار نفر در سرزمین منی و در کنار کعبه بر اثر بی تدبیری حکام حجاز جان خود را از دست دادند، و کسی لب برای دفاع از حقوقشان باز نکرد. زمانی که رئیس سازمان ملل می خواست در باره جنایت های سعودی سخنی بگوید، دهن او را با پول بستند و خود به صورت شفاف اعتراف کرد، که من را با پول ساکت کردند. در واقع بصیرت همانند نور برای چشم است. فرد بصیر ظاهر و باطن اشیا را می شناسد و به طور عدل درباره آنها قضاوت می کند، دقت نظر دارد و در مورد حوادث تامل و تفکر می کند.

۲۱ دلسوز دانش آموزان باشد.

میان شاگرد و استاد به غیر از رابطه علمی باید رابطه عاطفی نیز وجود داشته باشد. مصداق رابطه عاطفی این است که از حال هم باخبر باشیم.

پیامبر از حال مسلمانان باخبر بود و اگر کسی را مدتی نمی‌دید، در باره حال او از دیگران می‌پرسید. اگر بیمار بود به عیادتش می‌رفت و اگر مسافر بود در حق او دعا می‌کرد. حس دلسوزی پیش از همدلی به وجود می‌آید. از احساس دل سوزی فرد میل شدیدی به کمک کردن به دیگران یا حداقل به فکر چاره ای برای دیگران بودن است. آدم دلسوز می‌تواند احساس دیگران را به خوبی درک کند. در ضمن تفقد از زیر دستان و پرس و جویی از حال آنان از اصول اخلاقی، اجتماعی، اسلامی و تربیتی است.

۲۲ واقع گرا باشد.

اشکال انسان ها در دیروز و امروز دوری از واقع گرایی، تکیه برخیال پردازی و موهومات است. قرآن کریم می‌فرماید که قهر و مهر خداوند، براساس واقعیات است؛ نه آرزوها. معلم باید خودش واقع گرا باشد و شاگردان را نیز دعوت به واقع گرایی کند. افرادی که بدون تلاش کردن انتظار موفقیت و پیشرفت را دارند خیال گرا هستند. در آیه ۱۲۳ سوره نساء می‌خوانیم «**لیس بی امانیکم ولا امانی اهل الکتاب من یعمل سوء یجزا ولا یجد له من دون الله ولیا ولا نصیرا**» پاداش و عقاب به آرزوهای شما یا آرزوهای اهل کتاب نیست. هر کس بدی کند بدان کیفر بیند و جز خدا برای خویش سرپرست و یآوری نیابد.

۲۳ صبور باشد.

داشتن صبر و پایداری رمز موفقیت هرکاری است. نتیجه کار فرهنگی به ویژه در تعلیم و تربیت، فوری نیست و نیاز به صبر و پایداری دارد. صبر و پایداری زمینه رشد و توفیق است اما انسان نباید گمان کند که رشد او صرفا برای دانش خود است. بلکه باید پیشرفت خود را از خدا بداند. خداوند تعالی به پیامبرش دستور می‌دهد که «**ولربک فصبر**». همچنین برای امور فرهنگی به صورت ویژه به صبر سفارش می‌شود «**وامر اهلک بصلا و صطبر علیها**»

۲۴ درد آشنا باشد.

فردی که طعم یک درد را چشیده روش برخوردش با آن درد متفاوت از فردی خواهد بود که این درد را تجربه نکرده است. خداوند به پیامبرش می‌فرماید آیا خداوند تورا یتیم و فقیر نیافت و به تو ثروت مأوا نداد، پس اکنون که طعم فقر و یتیمی را چشیده ای و درد آشنایی، یتیم و فقیر را از خود طرد نکن، یکی از دلایل سفارش زیاد اسلام به بودن در مسجد، این است که مسلمانان به صورت مستمر در ارتباط باهم باشند و از مشکلات همدیگر باخبر باشند. در مسجد مردم با مشکل و درد جامعه و افراد آشنا می‌شوند و به فکر چاره ای برای آن می‌افتند.

معلم موفق باید ارتباط مستمری با دانش‌آموزان داشته باشد و با مسائل و مشکلات آنها آشنا، که حتی اگر نتواند آن مشکلات را حل کند حداقل با همدردی مرهمی باشد.

۲۵ تکلیف گرا باشد.

معلم باید همیشه به فکر وظیفه خود باشد و ببیند که با وجود محدودیت‌ها چگونه می‌تواند وظیفه خود را به نحو احسن ادا کند. اگر فردی تکلیف گرا باشد حتی اگر هیچ‌گونه همراهی و یاری از جانب کسی نداشته باشد باز هم به وظیفه خود عمل می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید «**قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِيَارِكُمْ**».
آیت الله شهید سعیدی در یک شب جمعه اول ماه رجب که لیلۃ الرغائب نیز گفته می‌شود به قصد زیارت امام رضا از تهران به سمت مشهد عازم شده بود. که در مسیر یکی از دوستانش را می‌بیند و به او می‌گوید که شب جمعه برای اقامه نماز جماعت و تبلیغ دین هرکدام از روحانیون به یک روستا می‌روند اینک یک روستا مانده که برای آن روحانی پیدا نکرده‌اند. شهید سعیدی با خود گفت که ثواب آموزش دین به روستاییان بیش از زیارت امام رضا (ع) در شب جمعه است. و با اینکه به قصد زیارت از تهران آمده بود اما به تکلیف معلمی‌اش عمل کرد و به سوی روستا حرکت کرد.

۲۶ با ظرفیت باشد.

ظرفیت انسان باید با زیاد شدن علم زیاد شود. افراد بی ظرفیت با کسب کمترین علم مغرور می شوند. خداوند در قرآن کریم به رسول می فرماید «و قل ربی زدنی علما» و نمی گوید زد علمی. در زدنی علما توسعه روح نهفته شده و به معنای زیاد شدن روح از طریق تحصیل است. اما در عبارت زد علمی فقط زیاد شدن علم بدون توسعه روح است. البته هر نعمتی نیاز به ظرفیت دارد. به طور مثال ممکن است کسب مال زیاد باعث دردسر فرد و افزایش غرور تکبر او شود. پس قطعاً با افزایش علم و مدرک تحصیلی فرد باید ظرفیت روح او نیز افزایش یابد.

۲۷ منضبط باشد.

منضبط بودن دارای تعریفی ساده است. یعنی اینکه فرد منظم باشد و کاری را که باید در حال حاضر انجام دهد را به انجام برساند. سراسر جهان و خلقت دارای نظم است و بهترین مصداق توحید و خداشناسی وجود نظم در جهان است. واژه صف در قرآن که به معنای نظم است هفت بار تکرار شده و حتی در عباداتی همانند حج و نماز و سایر عبادت ها وجود نظم به چشم می خورد.

به موقع حضور داشتن در کلاس، به موقع سخنرانی کردن، به موقع اجازه صحبت به دانش آموز دادن و به طور کلی وجود نظم در کلاس یک معلم به دانش آموز درس نظم می دهد. امام خمینی آنچنان منظم بود که تمام کارهایش را سر وقت معین انجام می داد.

۲۸ عزم قوی داشته باشد.

داشتن عزم در سه آیه از قرآن کریم نشانه موفقیت دانسته شده و در هر سه آیه نشانه عزم صبر بوده است.

از آیه ۱۲ سوره فاطر: بعضی دریاها شور و بعضی شیرین است. اما اگر ماهیگیر باشید می توانید از هر دو دریا صید کنید. و اگر ناخدا باشید در هر دو دریا کشتی رانی و اگر غواص از هر دو دریا لو لو و مرجان می گیرید. آری شرایط بر افراد مصمم و با عزم تاثیر نمی گذارد.

بسیاری با وجود امکانات اما به دلیل نداشت عزم و اراده موفق نیستند. هستند افرادی که با وجود محدودیت ها اما به دلیل داشتن عزم موفق هستند.

۲۹ به هدف ایمان داشته باشد.

دلیل اصلی مقاومت انبیا ایمان به هدف و درستی راه بود. قرآن در ستایش پیغمبر می‌فرماید «**امن بما انزل علیه من ربی**». لذا وقتی که قریش به او می‌گفتند که هر چی بخواهی به تو می‌دهیم، او در پاسخ گفت که اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارند دست از هدفم بر نمی‌دارم. امام علی می‌فرماید: «اگر پرده‌ها برداشته شود چیزی بر یقین من افزوده نخواهد شد». هیچ چیز نمی‌تواند انسانی را که به هدف و راه خود ایمان دارد دلسرد کند.

۳۰ عادل باشد.

معلمی موفق است که مخاطبان او را عادل بداند و مطمئن که او تحت هیچ شرایطی خلاف حق عمل نمی‌کند.

آیاتی که نشانه عدل است: خداوند به نوح می‌فرماید «**انه لیس من اهلک**» او به خاطر اعمال غیر صالحش از تو نیست. و به لوط می‌فرماید: «**الا امراتک کانت من الغابرین**» ما همسر تو را از قهر خود نجات نمی‌دهیم. و با تندترین واژه‌ها از عموی پیامبر یاد کرده است «**تبت یدابی لهب وتب**» اصحاب خود حتی نگاهش را نیز بین اصحاب خود به صورت عادلانه تقسیم می‌کرد.

معلم نیز باید با سایر دانش‌آموزان به صورت یکسان عمل کند و با یک طریق آنها را خطاب کند.

۳۱ حامی محرومان باشد.

بیشترین یاران پیامبران در طول تاریخ محرومان بودند. بنابراین معلم و مربی باید از آنان حمایت کنند و از طرد آنان بپرهیزد. کافران همیشه سعی کردند که یاران مستضعف پیامبر را بی‌مقدار بدانند.

«و ما نراک انبعک الی الذین هم ارادلنا» و همیشه انتظار داشتند که پیامبران آنها را طرد کنند. ولی پیامبران می گفتند «و ما انا بطارد الذین امنو» اگر استاد درد آشنا باشد، به محرومان توجه خواهد کرد. معلم و مربی باید بداند که طرد محرومان و عدم توجه به آنان توبیخ خداوند را به دنبال دارد.

«عسی و تولى ان جاءه الاعمى» چرا عبوس و رترش رو گشت از اینکه ان نابینا به سمت او آمد؟

۳۲ توکل داشته باشد.

خداوند به پیامبرش می فرماید اگر چه تو تبلیغ دین می کنی، اما هدایت به دست ماست. ای پیامبر تو هر کس را می خواهی نمی توانی هدایت کنی. بلکه این خداوند است که هر که را بخواهد هدایت می کند و به ره یافتگان آگاه است (سوره قصص آیه ۵۶)

در جای دیگر به پیامبرش می فرماید در جبهه تیراندازی از توست اما اثر گذاری از ماست. به طور کلی یعنی توفیق در کارها و به نتیجه رسیدن اعمال دست خداوند است. مربی و معلم باید نهایت تلاش خود را به کار ببندد و در نهایت و سرانجام کار را به خدا بسپارد. یعنی متوکل باشد.

۳۳ بانشاط باشد.

داشتن نشاط هم در روح انسان اثر دارد و هم در تولیداتش. معلم بانشاط، شادی و شور نشاط خود را به دانش آموزان نیز انتقال می دهد، و بی نشاطی و کسالت معلم باعث تنبلی و بی حوصلگی دانش آموزان می شود.

نداشتن نشاط یک آفت است و معصومان از آن به خدا پناه می برند. چنانکه امام صادق (ع) می فرماید: «الهم انی اعوذ بک من الکسل». اگر ایمان در کنار نشاط باشد نه به مزد و پاداش فکر می کند نه در کار تاخیر می کند و نه کم کاری می کند.

اسلام حتی در عبادات هم به نشاط تاکید می کند. امام سجاد (ع) در سحرهای ماه رمضان و در دعای ابو حمزه ثمالی از بی نشاطی در عبادات گلایه کرده است و سپس برای آن باسوز و گداز راه حل ارائه کرده است.

مهارت‌های معلّمی

برای موفقیت در عرصه ی تعلیم و تربیت باید نکات و مطالبی را مدنظر قرار داد تا بتوان بهره بیشتری از آموزش‌ها گرفت.

به همین دلیل در ادامه به سی و چهار «باید معلّمی» میپردازیم و بایستی معلّم و راهنما نسبت به انجام آنها نهایت تلاش را داشته باشد. (مطالب مهم‌تر خلاصه بیان شده برای یادگیری بیشتر به کتاب مراجعه شود)

در انتها برای تفهیم بهتر مطالب بانک تستی نیز تعبیه شده است.

۱ آغاز کار با نام خدای متعال

شروع کار با نام خداوند متعال سبب برکات و موفقیت است. ذکر «بسم الله» در آغاز کار و تدریس، بیانگر حقایقی خواهد بود:

- « بسم الله » بیانگر جهتگیری توحیدی ماست.
- « بسم الله » رمز توحید است و ذکر نام دیگران به جای آن، رمز کفر.
- « بسم الله » رمز بقا و دوام است.
- « بسم الله » رمز عشق به خدا و توکل به اوست.
- « بسم الله » رمز خروج از تکبر و اظهار عجز به درگاه الهی است.
- « بسم الله » گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.
- « بسم الله » موجب فرار شیطان است.
- « بسم الله » عامل قداست یافتن کارها و بیمه شدن آنهاست.

- « بسم الله » ذکر خداست؛ یعنی خدایا من تو را فراموش نکرده ام.
- « بسم الله » بیانگر انگیزه ماست؛ یعنی خدایا هدف من تنها توهستی.
- رضا فرمود: "بِسْمِ اللَّهِ" به اسم اعظم الهی از سیاهی چشم به سفیدی آن نزدیک تر است.

۲ عملی بودن درس‌ها

درس عملی عمیق‌تر از درس غیرعملی است. شاگردان و اطرافیان ما قبل از آنکه به حرفهای ما توجه کنند، به رفتار ما توجه، و از آن تأسی می‌کنند. لذا **دعوت معلم باید عملی باشد**؛ یعنی قبل از اینکه مردم را به انجام کارهای خوب دستور دهد، خودش آن اعمال را انجام دهد و قبل از نهی مردم از اعمال زشت و ناروا خودش آن اعمال را ترک کند.

۳ شهادت در گفتن «نمی‌دانم»

یکی از کارهای خوب معلم و مربی، بلکه هر انسانی، آن است که اگر چیزی را نمیداند، با کمال صراحت و صداقت بگوید: «نمی‌دانم». معلم صداقت خود را با «نمیدانم» به رخ میکشد و همین کار، ضمن جلب اعتماد مخاطبان، او را در نگاه آنها محبوب می‌کند؛ چراکه با جواب بی اساس و حرف بی دلیل، ذهن آنها را آشفته نمی‌کند و سلامت محیط آموزشی را بالا میبرد.

۴ سنت‌پذیر و نوپذیر بودن

علم زمانی کامل است که هم وصل به تاریخ کهن باشد و هم پویا و بهروز؛ بنابراین معلم باید هم از آداب به خوبی پیروی کند و هم تجدیدپذیر باشد. نوگرایی به معنای تزریق مفاهیم و برداشات های تازه و تأیید شاده توسط صاحبان تجربه و علم است؛ وگرنه صرف نوگرایی بدون پشتوانه تحقیق و تأیید علما و دانشمندان، ارزشی ندارد.

۵ توجه به راههای دعوت

معلمان باید خود را با شیوه های گوناگونی از برخورد با مخاطبان گوناگون مجهز کنند چرا که نمیتوان همه مردم را با یک شیوه به راه راست دعوت کرد. هر شخص یک روح و ظرفیتی دارد و باید با زبان خودش با او سخن گفت. باید خواص را با حکمت و استدلال، عوام را با موعظه نیکو، و مخالفان را با جدال نیکوتر ارشاد کنیم.

۶ توجه به رشد جامع

معلم باید رشد جامع مخاطب را مدنظر داشته باشند. یعنی اگر به علم او میافزایند، بصیرت او را هم ارتقا دهند؛ اگر به مدرک و درس او فکر میکنند، به قدرت تشخیص و بینش و موضع گیری های سیاسی او نیز بیفزایند. استاد باید باور کند و به شاگردان خود بیاموزد که هم باید از پیشرفت های علمی و تجارب دیگر کشورها استفاده کرد و هم به صورت جدی مراقب بیگانگان بود و فریب آنان را نخورند.

۷ پاسخ به شبهات

معلم باید برای شبهات جدید، پاسخ منطقی داشته باشد. اساتید علوم دینی و معارف باید در کنار مباحث اصلی خود، نیم نگاهی به شبهات روز داشته باشند و نگذارند که شبهه چون مورانه ای، به پایه های فکری دانش پژوهان و مخاطبان بزند.

۸ ایجاد انگیزه

استاد و مربی باید قبل از تعلیم درس، نقش و اهمیت آن درس و آثار فردی و اجتماعی آن را بیان کنند و افرادی را که در آن رشته متخصص شده و بخشی از مشکلات جامعه را حل کرده اند، به عنوان نمونه مطرح کنند تا شاگرد به آن درس احساس نیاز کند.

۹ هجرت

بخش بزرگی از معلومات، حاصل هجرت عده‌ای به مراکز علمی یا به سوی افراد دانشمند است. قرآن و روایات در این زمینه سفارش بسیاری کرده‌اند؛ تا آنجا که قرآن به مسلمانان دستور می‌دهد کسانی را که ایمان دارند ولی هجرت نمیکنند، نه دوست بدارند و نه به آنان مسئولیت بدهند. هجرت، اختصاص به پیامبر اکرم ندارد؛ بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه، برای حفظ دین و ایمان یا برای دوری از نافرمانی خداوند، بر هر مسلمانی الزامی است؛ هجرت علاوه بر آموختن علم، برای بیان آموخته‌های خود به دیگران نیز لازم است.

۱۰ آموختن از هر شخص یا هر چیزی

معلم واقعی، خود یک محصل و دانشجوی واقعی است و بدون اینکه برای او عار باشد، از هر شخص یا هر چیزی که بتواند نکته‌ای بیاموزد، استفاده می‌کند و هر روز بر معلومات خود می‌افزاید.

۱۱ تعلیم در هر زمان و مکان

جای تعلیم و تربیت، فقط کلاس و جلسات رسمی نیست. اتفاقاً در سایر مواقع، به ویژه در مواقع حساس و خاطره‌انگیز، گفتن نکته و مطلبی میتواند اثر فوق‌العاده‌ای بر مخاطب بگذارد. اگر معلم قوی باشد، میتواند از هیچ، همه چیز بسازد.

۱۲ جبران ضعف‌ها

نزدیکترین صفت به معلمی، رحمت و محبت است. گاهی در امور آموزشی و فرهنگی، ضعفها و چالشها و مناقشات پدید می‌شود و چه بسا استادی، از محور عدالت و انصاف و محبت خارج شود و گفتار و رفتاری نامناسب با شاگردان و مخاطبان داشته باشد. استاد و مربی خوب، آن است که سریع مشکل را برطرف کند و با محبت و ملامت، از شاگردانش دلجویی نماید.

۱۳ همدردی

یکی از وظایف مهم اساتید و معلمان، همدردی با شاگردان و متعلمان است؛ همدردی معلم سبب تسکین دردها و مصائب و مشکلات دانشپژوهان، و سبب جلب محبت آنها می شود. ایان همدردی، میتواند در موارد متعددی باشد.

۱۴ ارتباط خصوصی و چهره به چهره

یکی از بایدهای معلمی این است که معلم علاوه بر طرح نکات و مباحث عمومی، ارتباطهای دویه دو داشته باشد و از تأثیر ارتباط چهره به چهره غافل نشود. کلاسهای عمومی خوب است؛ ولی مهمتر از آن، ارتباطهای خصوصی است که میتواند در تربیت مخاطبین تأثیر ویژه داشته باشد. گاهی الزم است که معلم به صورت خصوصی شاگردی را به دفتر احضار و با او گفتگو کند.

۱۵ هدایت در گرایش و انتخاب رشته

تدریس و تربیتی موفق است که نیاز فرد و جامعه را حل کند و خیر و برکات بیشتری داشته باشد. باید آموخته های فرد، قابل انتقال به دیگران و کمک های امدادی او در دسترس باشد. استادان نیاز باهمین نگاه، متعلمان را به رشته های مورد نیاز و گرایش های ضروری سوق بدهند. البته در تعیین گرایشهای تحصیلی، هم باید به استعدادها توجه کرد و هم به نیازها و ضرورتها؛ و نباید در انتخابها، نگاه غیرتوحیدی داشت. معلمان محترم باید با تبیین علمای و دقیق خود و بیان ضرورتها و نیازها و فوائد رشته های مورد نیاز، مخاطبان خود را در خط صحیحی قرار دهند.

۱۶ احترام به همکاران و پیشکسوتان

احترام به سایرین و همکاران و همه امت، یک ارزش است و در فضای تعلیم و تربیت اهمیت بیشتری دارد. احترام به دیگران، احترام به مقام علم و احترام به خودمان است؛ دیگران را بزرگ بشماریم و زحمات آنان را ببینیم تا دیگران هم زحمات و تالشهای ما را ببینند.

۱۷ نظرخواهی و مشورت

نظرخواهی و مشورت فواید زیادی دارد که بر کسی پوشیده نیست. با مشورت علم انسان اضافه می شود و دوست و دشمن از هم تمایز پیدا میکنند. اگر موفق شویم، حسودان ما کم میشوند زیرا توفیق ما را به برکت مشورت با خودشان میدانند و اگر شکست بخوریم، غمخواران را پیدا میکنیم؛ چون شکست ما را به خاطر مشورت با خودشان میدانند. با مشورت، کارها پخته، تجربه ها منتقل، و غرور افراد شکسته می شود. حتی اگر عاقل ترین و عادل ترین افراد باشیم، از مشورت بی نیاز نیستیم. خوب است که معلم و استاد در خصوص برخی امور درسی یا مسائل و طرحها مشورت کند؛ هم با شاگردان خود و هم با سایر استادان باتجربه.

۱۸ دادن فرصت تحقیق به مخالف

به افرادی که در صدد تحقیقاند، فرصت تحقیق و مطالعه بدهیم و آنان را طرد نکنیم. حتی دشمن را نباید از رشد فکری بازداشت. در شرایط جنگی هم باید به رشد فکری افراد اهمیت داد.

۱۹ توجه به آثار جنبی رفتار

اگرچه برای آموزش برنامه های رسمی با متونی مشخص وجود دارد، ولی استادی موفق است که بتواند با مطالعات جانبی مرتبط و اطلاعات مناسب و بیان شیرین، کلاس خود را جذابتر کند؛ چراکه گاهی بیان نکات جنبی و آثار گفتگوهای حاشیه ای از گفتگوهای رسمی بیشتر است؛ مثلاً گاهی گفتگوهای انسان با دوستانش، مهمتر از اصل مهمانی است.

۲۰ سفارش دلسوزانه و استقبال از پیشنهادها

یکی از بایدهای معلمی این است که هم در سفارش و توصیه به دیگران احساس وظیفه کند و محترمانه نکاتی را به همکاران و دیگران سفارش نماید و هم از پیشنهاد های دیگران، چه همکاران و چه دانشپژوهان و مخاطبان بهره بگیرد و خود را بی نیاز نداند.

۲۱ انتقادپذیری

و معلم باید به انتقادها گوش دهند؛ زیرا گوش ندادن به حقایق، صفت کافران کوردلان است. انسان مسلمان به انتقادهای دیگران به دید هدایایی ارزشمند مینگرد. در چشم او، کسی که او عیوبش را گوشزد می کند، در حقیقت به او هدیه میدهد؛ لذا او را محبوبترین برادر خود میداند.

۲۲ امیدوار و امیدبخش

وظایف معلم مسلمان، دلگرم بودن و دمیدن روح امید در کالبد دانشجویست. معلمی موفق است که بر اثر امید به وعدههای الهی، هم دلگرم باشد و هم امید را به مخاطب خود تزریق کند. مبلغ و معلم امیدوار، با قدرت و قوت به راه تبلی و تعلیم ادامه میدهند، کار را جدی دنبال میکنند و از سستی پرهیز میکنند. همچنین استاد و معلم باید دانشپژوهان خود را به آینده روشن امید دهند. استادی که دائما از پیشرفتهای علمی دانشمندان غربی سخن بگوید و کشور خودش را تحقیر و دانشجویان را برای سفر به خارج تحریک می کند و به جای امید، روح یأس را در آنان میدمد، خیانتکار است.

۲۳ قاطعیت در راه حق و نترسیدن از سرزنشها

مبلغ مؤمن و معلم معتقد نیز نباید در راه تبلیغ دین، هراسی از سرزنش کنندگان داشته باشند. چه بسا در محیط آموزشی یا کلاس مواردی پیش بیاید که نیاز به اعلام دیدگاه و نظر دیگران باشد و در این میان، افراد ضعیف و سست عقیده‌ای باشند که موضع بگیرند و حرفه‌ای بزنند؛ در اینگونه موارد، معلم باید بدون ترس از نیشخند و تمسخر و ملامت دیگران، با قاطعیت و متانت و ادب، حرف حق را بگوید.

۲۴ داشتن حکمت

یکی از وظایف انبیا، آموزش کتاب و حکمت است. «حکمت» را به معنی معرفت و شناخت اسرار و آگاهی از حقایق و رسیدن به حق دانسته‌اند که خداوند به بعضی از افراد پاک و باتقوا و پرتلاش عطا میکند تا آنان وسوسه‌های شیطانی را از الهامات الهی باز بشناسند و چاه را از راه، و شعار را از شعور تشخیص دهند و این خیرکثیر است.

۲۵ اهل ذکر باشد.

از ویژگی‌های افراد نخبه و صاحب خرد این است که پیوسته به یاد خدای تعالی هستند و او را مراقب خود میدانند. از نگاه کتاب آسمانی، نشانه خرد، ذکر خدای تعالی در هر حال است. قرآن معلم و استادی که الگوست، باید چون معلمان الهی، اهل ذکر باشد و پیوسته خدای تعالی را در نظر داشته باشد و در زندگی روزمره‌اش برنامه‌های منظم معنوی داشته باشد.

۲۶ توطئه شناسی

معلم و مربی باید هم از توطئه‌های بیگانگان آگاه باشند و هم به مخاطبان خود هشدار بدهند.

۲۷ دشمن شناسی

باید خود و شاگردان خود را با دشمن آشنا کنیم. قرآن کریم بارها به مسلمانان در خصوص تحذیر از دشمنان هشدار داده است. در این آیه بیان شده است که دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید چرا که آنان ذره ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمیکنند؛ و با شگردهای گوناگون درصدد ضربه زدن به شما هستند.

۲۸ جدی گرفتن هشدارها

استاد و مربی باید همیشه مخاطب خود را امیدوار کند و در کنار امید، خطرها و هشدارهای لازم را بدهد و توجه ویژه به «انذار» داشته باشد؛ چون معمولاً در انسان ها انگیزه ی دفاع ضرر قویتر از جلب منفعت است. قرآن کریم، پیامبر اکرم را بشیر و نذیر میخواند؛ در عین حال، مکرراً به انذار و اخطار و هشدار ایشان توجه خاص کرده و حتی فرموده است که او مسئولیتی جز هشدار و انذار ندارد.

۲۹ سنجش مقدار تاثیر آموزشها (خودآزمایی)

یکی از کارهای لازم، سنجش و خودآزمایی در خصوص مقدار تأثیر علم و خروجی درسهاست. چه خوب است که معلم، هراز چند گاهی، هم خود را با معیارهای قرآنی و روایی بسنجد و هم دانش پژوهان خود را در ترازوی سنجش معارف الهی قرار بدهد. قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات بهترین معیار ما هستند. معلم موفق، هم خود را در ترازوی سنجش و نقد قرار می دهد و هم معیارها را به دانش پژوهان خود می آموزد.

۳۰ استفاده از همه فرصت ها و ظرفیت ها

همان گونه که عبادت، منحصر به مکان و زمان خاصی نیست علم آموزی و تدریس و تبلیغ نیز نباید منحصر به محیطهای علمی و آموزشی یا فقط در زمان حضور در مدرسه و دانشگاه باشد؛ چرا که **تعلیم و تربیت، هیچ گاه تعطیل بردار نیست.** از کارهای شایسته ای که اساتید و معلمان محترم میتوانند انجام دهند، توسعه ی ظرفیات های آموزشی و بهره گیری از همه ی ظرفیتهاست.

۳۱ رعایت استاندارد و تعلیم منطقی

باید آنگونه کلاس‌داری کنیم و مطالب را انتقال دهیم که دیگر معلمان بتوانند آن را تکمیل کنند؛ نه آنکه کلاس‌داری ما آنقدر ساده و سطحی و بدون عمق و استدلال و منطق باشد که استاد دیگر مجبور شود آن را تخریب کند و دوباره بسازد. از چیزهایی که آموزش را مطمئن و هدفمند می‌کند، استفاده از متون آموزشی مطمئن است که توسط مراکز معتبر و براساس نظام آموزشی تهیه شده باشد.

۳۲ قالب سازی نه قالب پذیر

اگرچه نظرخواهی و مشورت، امر پسندیده‌ای است، اما هر نظر و مشورتی مورد پذیرش نیست. گاهی بنا به دلایلی نمیتوان از جمع و محیط تبعیت کرد، بلکه لازم است با شهامت قدم برداشت و اقدامی نمود؛ لذا معلم با تجربه کسی است که قالب ساز باشد؛ نه قالب پذیر.

۳۳ آشنایی با مشکلات دیگران

اگر انسان فقط به مشکلات خود توجه کند، ناراحت و گلایه مند و بی نشاط می‌شود؛ اما اگر نیم‌نگاهی به مشکلات دیگران داشته باشد، ظرفیت او بالا، روح او بزرگ و در برابر مشکلات مقاومتر می‌شود.

آشنایی با مقاومت و صبر دیگران، برای انسان مایه‌ی تسلی و دل‌داری است، به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت؛ چرا که علما و دانشمندان ما هم در تعلیم و تدریس و هم در پژوهش و تحقیق تلاش‌های کمر شکنی کرده‌اند و در زندگینامه و خاطرات آنان، بخش‌هایی از این تلاش‌ها و صبرها آمده است. برای همه معلمان محترم آشنایی با این اسوه‌های تعلیم و تربیت امری ضروری است.

۳۴ آشنایی با فرهنگ و گویش مخاطبان

آشنایی با فرهنگ و ادبیات و ضرب‌المثل‌های مخاطبان، یکی از کارهای شایسته برای برقراری ارتباط بهتر و انتقال آسانتر مفاهیم است. مثلاً قرآن کریم «زقوم» را پذیرایی و خوراک گناهکاران در جهنم معرفی کرده است. «زقوم» گیاه زهرداری است که در بادیه‌ها می‌روید و اگر برگش کنده شود از جای آن شیرهای بیرون می‌آید که به هر جای بدن برسد ورم می‌کند.